

1395/9/24 چهارشنبه

شاخص های فتنه و فتنه‌گری

فتنه در معانی چندی به کار رفته است که از جمله آن ها بلایا، شکنجه و آشوب و اخلال در نظر اجتماعی است.

قرآن به مسئله فتنه از جهات مختلفی پرداخته است؛ زیرا ارتباط تنگاتنگی با مسئله امنیت و آرامش فردی و اجتماعی شخص و جامعه دارد و می تواند تأثیرات شگرفی در امر فلسفه آفرینش به جا گذارد؛ چون هدف آفرینش، تعالی انسان به تقرب به خداوند است که فتنه می تواند مانع این حرکت کمالی شود.
نویسنده در این مطلب با بررسی آیات قرآنی بر آن است تا تحلیل قرآن را از مسئله فتنه، عوامل و مصادیق آن ارائه دهد. با هم این مطلب را از نظر می گذرانیم.

**مفهوم شناسی**
فتنه در اصل به معنای قراردادن طلا و زر در آتش برای به دست آوردن خالصی آن است. از این رو می توان گفت با فتنه سره از ناسره، حق از باطل، خوب از بد و زشت از زیبا شناخته جدا می شود.
این واژه در فرهنگ قرآنی در معانی چندی به کار رفته است که از آن جمله می توان به معنای امتحان، آزمون، عذاب و شکنجه، سوختن با آتش، بلیه، سختی، اضلال (مفردات الفاظ قرآن کریم، راغب اصفهانی، ص623 ذیل واژه فتن و نیز تفسیر کبیر، فخر رازی، ج4، ص406)، شرک، بازداشتن از دین (مجمع البیان، علامه طبرسی، ج1 و 2، صص511 و 513)، آشوب و اخلال در امور دین (تفسیر التحریر و التنویر، طاهر بن عاشور، ج4، جزء6، ص276) اشاره کرد.
این در حالی است که برخی از محققان دانش زبان شناسی بر این باورند که اصل در ماده فتن، چیزی است که موجب اختلاف و هرج و مرج همراه با اضطراب می شود و اموال، اولاد و کفر در قرآن از مصادیق آن است. (التحقیق، مصطفوی، ج9، صص23 تا 25 ذیل واژه فتن)

براین اساس می توان گفت که فتنه در فرهنگ قرآنی به هر چیزی که موجب آشوب و اخلال در نظم شخصی و عمومی شود و موجبات اضطراب و تشویش را فراهم آورد و امنیت و آرامش را سلب کند، گفته می شود. از این رو شکنجه و عذاب، یا بلایای طبیعی، آشوب های اجتماعی، جنگ و شورش و مانند آن به عنوان فتنه در قرآن معرفی شده است؛ زیرا هر یک از این علل و عوامل موجب می شود تا امنیت و آرامش از شخص و جامعه سلب شود. این که کفر و شرکت فتنه معرفی می شود از آن روست که آرامش و امنیت را از شخص سلب می کند و او در آخرت نیز گرفتار فقدان آرامش و آسایش شده و ترس و خوف دایمی را به جان می خرد. فرزندان یا اموال نیز چنین وضعیتی را برای شخص به ارمغان می آورند و آرامش را از او سلب می کنند. امیرمؤمنان علی(ع) می فرماید که علم، حافظ و نگه دارنده انسان است، در حالی که انسان می بایست نگه دارنده مال باشد و همه گونه خود را در رنج و زحمت افکند تا از آن محافظت نماید و آرامش را از خود سلب کند. از این جا دانسته می شود که فتنه در فرهنگ قرآنی، با همه گستردگی معنایی اش ناظر به اموری است که آرامش و امنیت را از انسان سلب کرده و اخلال در نظم عمومی و نظام احسن ایجاد می کند و زندگی را از حالت عادی و طبیعی اش بیرون می برد. از این رو آشوب ها و اغتشاشات اجتماعی را می توان یکی از مهم ترین مصادیق فتنه دانست؛ زیرا آشوب و اغتشاش، نظم اجتماعی را از میان می برد و آرامش و امنیت را از جامعه سلب می کند و بحران های متعدد را درپی می آورد.

**مصادیق فتنه انگیزان**
برای این که تصویر روشن و درستی از فتنه در فرهنگ قرآنی داشته باشیم به سراغ آیاتی می رویم که به مصادیق فتنه انگیزان توجه می دهد؛ زیرا از این طریق می توان دریافت که غیر از عوامل طبیعی که نظم را مختل می سازد و آرامش را از آدمی سلب می کند، چه علل و عوامل دیگری می تواند موجبات سلب آرامش و امنیت شود و نظم را به هم ریزد؟ البته همواره بر این نکته تأکید می شود که عوامل طبیعی نیز ارتباط تنگاتنگی با رفتارها و کنش های انسانی دارد؛ زیرا فعالیت آدمی است که موجبات اخلال در نظم طبیعت را فراهم می آورد و امنیت و آرامش را از او سلب می کند؛ از این رو خداوند از فساد و تباهی در نظم طبیعت و محیط زیست خشکی و دریایی زمین به سبب کنش های انسانی خبر می دهد و آدمی را مسبب اصلی بسیاری از حوادث و رخدادهای به ظاهر طبیعی زمین برمی شمارد.

**1- ستمگران:**خداوند در آیه 25 سوره انفال از ستمگران به عنوان فتنه انگیزان اصلی جامعه یاد می کند. اینان کسانی هستند که به حقوق خود بسنده نمی کنند و با تجاوز به حقوق دیگران می کوشند تا نظم طبیعی جهان و جامعه را که بر پایه عدالت استوار است به هم ریزند. در حقیقت ظلم و ستمی که از سوی ستمگران اعمال می شود، خود مصادقی از فتنه است؛ زیرا هم نظم طبیعی که بر محور عدالت است را از میان می برند و هم آرامش و امنیت را از دیگری و یا جامعه سلب می کنند.
با نگاهی به تاریخ و گزارش های تاریخی قرآن می توان به آسانی دریافت که چگونه ستم ستمگران، فتنه اصلی در جوامع بشری بوده است و آنان را از پیشرفت و تکامل و تعالی در حوزه های فرهنگی و تمدنی بازداشته است و اجازه نداده تا همه انسان ها به کمال و تعالی دست یابند. جوامع به سبب ستم ستمگران هرگز روی عدالت به خود ندیده و از امنیت و آرامش سودی نبرده است.

**2- منحرفان و هنجارشکنان:** دسته دومی که خداوند از آنان به عنوان فتنه انگیزان سخن به میان می آورد، کسانی هستند که ما آنان را به نام منحرفان و هنجارشکنان می شناسیم. این عده با ایجاد فتنه و فساد در جامعه، امنیت و آرامش را از آن سلب کرده و در نظم عمومی و اجتماعی جامعه اختلال ایجاد می کنند. انحرافات ایشان که باهنجارشکنی و بهره گیری از قوانین متشابه صورت می گیرد، به آنان این امکان را می بخشد تا عرف و عادت پسندیده را زیر پاگذاشته و با هنجارشکنی امنیت اخلاقی و هنجاری جامعه را با بحران مواجه سازند.
خداوند در آیه 7 سوره آل عمران این افراد را کسانی معرفی می کند که همواره دنبال متشابهات هستند و از آن پیروی می کنند. این در حالی است که حقایق و اصول محکم و متقن در اختیار آنان است، ولی آنان با چشم پوشی نسبت به این اصول، در پی متشابهات و اموری می روند که شک و تردید در صحت و سقم آن وجود دارد؛ چرا که در این آب گل آلود بهتر می توانند ماهی مراد بگیرند و در صورت حرکت در مسیر قوانین شفاف و روشن دست های ایشان رو می شود. به عنوان نمونه در جامعه امروز عده ای با آن که اصول شفاف قانون اساسی وجود دارد در پی قوانین متشابه و غیرشفاف می روند و با هیاهو و غوغاسالاری می کوشند تا زمینه برای آشوب و هرج و مرج قانونی را فراهم آورند و جامعه را در سطح بحران قرار دهند تا بتوانند از این وضعیت بحرانی برای منافع خویش بهره گیرند. این دسته هرگز به اصول شفاف و روشن توجهی نمی کنند و چون بیمار دل هستند و در دل هایشان زنگار کینه و کدورت است و از سلامت شخصیت و روحی و روانی برخوردار نمی باشند، تنها دنبال مصادیق غیرروشن قانونی می روند، این گونه است که هنجارشکنی به عمل طبیعی آنان تبدیل می شود و از جاده قانون و سلامت بیرون می روند و منحرف می شوند.

خداوند در این آیه تبیین می کند که بددلی و بیماردلی ایشان موجب می شود تا همواره در جایی قرار گیرند که فتنه و اخلال در نظم و فقدان آرامش است و برای رسیدن به این هدف از تاویل نادرست قوانین نیز خودداری نمی کنند. آنان برداشت های نادرست خود از قوانین را به عنوان تاویل و تفسیر درست مطرح می سازند و به موارد مشکوک شبهات و متشابهات، توجه ویژه ای دارند؛ زیرا در این فضا می توانند زیست کنند. اینان میکروب ها و ویروس های اجتماعی هستند که در فضای متشابهات و تاویلات نادرست رشد می کنند و تکثیر می شوند.

**3- کافران:**بی گمان کافران به سبب عدم پذیرش فلسفه و هدف آفرینش و انکار نظم کلی هستی، یکی از مهم ترین دشمنان نظم واقعی در هستی و جامعه می باشند. اینان همواره در جست وجوی آن هستند که نظم اجتماعی را به هم ریزند و در مسیر بهره برداری خود از آن سود برند. البته این گونه نیست که همه کافران، ظالم به دیگری و یا جامعه باشند ولی بی گمان ایشان ظالم به خود و جان خویش هستند و در حق خود کوتاهی و ظلم روا می دارند. از این رو نمی توانند در مسیر درست تعالی و کمال حرکت کنند و با هر چیزی که بر خلاف اعتقادات و باورهای آنان است به مخالفت برمی خیزند و اجازه نمی دهند تا حقیقت بر ایشان روشن شود.

خداوند در آیه 91 سوره بقره فتنه ای را که از سوی کافران ایجاد و دامن زده می شود به عنوان بدتر از کشتار و قتل و در آیه 217 همین سوره به عنوان بزرگ تر از قتل و کشتار معرفی می کند. دو واژه اشد و اکبر من القتل به این معناست که فتنه به سبب بازتاب ها و پیامدهای خطرناک آن در جامعه می تواند بدتر از کشتن شخص باشد؛ زیرا با اختلال در امنیت و نظم عمومی جامعه، امکان رشد و تعالی جمعی از جامعه گرفته می شود و جامعه در شرایط فقدان امنیت نمی تواند در مسیر شکوفایی و تعالی و رشد قرار گیرد. از این رو خداوند در این آیات فتنه انگیزی کافران را بدتر از قتل دانسته است.

کافران با بستن راه ها، جلوگیری از آزادی های بیانی و مبادلاتی و فرهنگی، راندن شهروندان از شهر و دیار خودشان، و رفتارهایی از این دست، فتنه گری کرده و جامعه را از حالت امنیت و آرامش و تعادل بیرون می بردند. چنین رفتاری از نظر قرآن بدتر از کشتاری است که برخی مرتکب می شوند، زیرا با کشتن شخص و یا کشتار جمعی، نظم عمومی در کوتاه مدت به هم می ریزد و آرامش سلب می شود، در حالی که جلوگیری از آزادی های اجتماعی، بستن راه آمد و شد مردم، جلوگیری از انجام اعمال عبادی از سوی مومنان و مانند آن، بحران عمومی و فراگیری را پدید می آورد که جامعه نمی تواند در آن احساس آرامش کرده و به سوی شکوفایی و توسعه حرکت نماید.

خداوند با آن که قتل کافران حربی را مجاز می شمارد، ولی به سبب آن که حفظ حرمت و حریم برخی از مراکز عبادی و اصلی لازم است به مومنان اجازه نمی دهد تا اقدام به قتل کافران حربی در این مراکز و محل ها نمایند. البته این امر مشروط بر آن است که کافران حربی، دست از فتنه انگیزی بردارند. اما همین که فتنه انگیزی ایشان ادامه یابد حتی در این مراکز یعنی مسجدالحرام نیز جایز است که کافر فتنه گر، کشته و مجازات شود. به سخن دیگر، فتنه انگیزی از نظر قرآن چنان بد و نادرست شمرده شده که حتی جواز قتل فتنه گران در مسجدالحرام و مکان های امن دیگر صادر می شود. (بقره آیات 191 و 193)

**4- منافقان و ستون پنجم کافران:** بی گمان منافقان که از ترس قدرت و اقتدار دولت اسلامی، تابعیت امت را پذیرفته و به عنوان شهروند، خود را معرفی می کنند تا از منافع شهروندی دولت اسلامی سود برند، از دشمنانی هستند که از نظر قرآن از کافران بدتر هستند. از این رو خداوند در تهدیدی آشکار آنان را کسانی می شمارد که در پایین ترین و پست ترین درجه از درجات و مراتب دوزخی جای می گیرند.

منافقان به سبب حضور در جامعه و اطلاع کامل و کافی از نقاط ضعف و قوت نیروهای خودی به شکل ستون پنجم دشمن عمل کرده و افزون بر ایجاد شایعات بی اساس و جنگ روانی، به جاسوسی علیه نیروهای خودی و امت اسلام می پردازند. خداوند منافقان جاسوس را به سبب آن که عامل بسیاری از اختلافات و آشوب ها و درگیری ها میان امت اسلام می باشند، سرزنش می کند و آنان را فتنه گرانی معرفی می کند که با حضور در صفوف نیروهای خودی و رزمندگان اسلام از پشت به دولت و امت ضربه می زنند.

خداوند از مومنان می خواهد که منافقان شناخته شده را در صفوف خود به ویژه مراکز حساس کشوری و لشکری جا ندهند و نگذارند آنان از امور پنهان آنها آگاه شده و به دشمنان کافر خبر دهند. اصولا حضور ایشان هرچند که به ظاهر مفید است ولی در عمل بسیار زیانبار است. اگر تخصص و توانایی دارند به سبب تعهد ایشان به کفر و کافران، هیچ بهره ای از این تخصص و توانایی ایشان، به امت و ملت و دولت اسلامی نمی رسد. بنابراین لازم است تا این فتنه گران منافق را از صفوف لشکری و کشوری خودی بیرون رانده و به ایشان اجازه بهره مندی از فرصت های به دست آمده در مکان ها و جاهای مهم داده نشود. (توبه آیات 47 و 48)
علامه طبرسی و ابن کثیر بر این باورند که این آیات درباره منافقانی است که در میان مسلمانان حضور داشته و به جاسوسی علیه ایشان و به نفع دشمنان می پرداختند. (مجمع البیان، ج 5 و 6، ص 55 و نیز تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج 4، ص 140)

**5. متخلفان:** از دیگر مصادیق فتنه انگیزان می توان به متخلفان از دستورهای خداوند و رسول اشاره کرد. کسانی که برخلاف دستور صریح رهبر جامعه عمل می کنند و به خود اجازه می دهند تا راه دیگری را درپیش گیرند از کسانی هستند که خداوند آنان را به سبب این رفتار فتنه انگیزشان سرزنش می کند؛ زیرا تخلف از فرمان رهبر مسلمین به معنای ایجاد اخلال در نظم عمومی جامعه و فتنه فراگیری است که دیگران را نیز به سوی تخلف از قانون و رهبری سوق می دهد. این گونه است که خداوند در آیات 24 و 25 سوره انفال هرگونه تحلف از فرمان رهبری را تخلف از فرمان الهی دانسته که موجبات فتنه در جامعه و آشوب و فقدان امنیت و آرامش آن می شود.

بنابراین برهمگان است که درحوزه فرمان های اجتماعی رهبری چون جهاد و مشارکت فعال سیاسی و مانند آن، از رهبری اطاعت کرده و هیچ گونه تخلف و سرپیچی نداشته باشند؛ زیرا این گونه رفتار موجب بحران در اطاعت از ولایت شده و به عنوان اخلال درنظم عمومی و فقدان امنیت، فتنه انگیزی تلقی می شود. هرگونه تخلف از احکامی که فصل الخطاب است می تواند به معنای فتنه انگیزی بوده و مجازات خاص آن را به دنبال داشته باشد.

**6. جاسوسان:** از دیگر مصادیقی که قرآن برای فتنه انگیزان برمی شمارد، جاسوسان هستند. این گروه به سبب آن که اطلاعاتی از مراکز حساس کشوری و امت و رهبری و نظام در اختیار دشمن قرار می دهند، زمینه بسیاری از بحران های اجتماعی را فراهم می آورند. از این رو از ایشان به عنوان فتنه انگیزان در آیات 47 و 48 سوره توبه سخن به میان آمده است.

**7. اعتمادکنندگان به خبر فاسق:**امروز چون دیروز، دشمنان از جنگ روانی به خوبی سود می برند. نقش رسانه ها در دنیای امروز بیش از آن که اطلاع رسانی باشد، ابزارهای جنگ روانی است. بنگاه خبرپراکنی بی بی سی و فاکس نیوز و مانند آن در دنیای امروز از مصادیق مخبران فاسقی هستند که دیروز جامعه اسلامی عصر نبوی را تهدید می کردند و امروز جامعه اسلامی را تهدید می کنند. فاسقان به سبب خصلتشان، همواره باطل خویش را در لفافه حقیقت می پیچند. به عنوان نمونه به این دو خبر توجه کنید: خبرگزاری های ایرانی: فلسطینی ها با کمبود و بحران آب مواجه هستند. گفتنی است که دولت اسراییل اجازه ترمیم چاه های قدیمی و یا احداث و حفر چاه های جدید را نمی دهد.
بی بی سی: فلسطینی ها با کمبود و بحران کم آبی مواجه هستند. منابع اسراییلی علت این بحران را سوءمدیریت فلسطینی ها مطرح می کنند.
این دو خبر در آغاز هر انسان آزاده را از نظر احساسی و عواطف، تحت تاثیر خود قرار می دهد، ولی خبر دوم سرزنش را متوجه فلسطینی ها کرده و احساس نخست را از میان برمی دارد و به شخص اجازه همدردی با فلسطینی ها را نمی دهد. در حالی که خبرنگار فاسق بی بی سی اصل علت بحران را سرپوش گذاشته و آن را به شکل دیگری که با جنگ روانی خود سازگار است تغییر داده است.

خداوند در آیه 6 سوره حجرات کسانی را که به اخبار چنین فاسقانی اعتماد می کنند سرزنش می کند، زیرا زمینه برای فتنه انگیزی درجامعه را فراهم می آورند. بسیاری از کسانی که در آشوب های اخیر پس از انتخابات ایران دست داشته اند، کسانی بودند که به اخبار ماهواره ای بیگانه و دشمن فاسق و فاسقان منافق داخلی اعتماد کرده و بر اساس آن عمل کرده اند. اخبار فاسقانی که به نام دانشجو و یا حمایت از نامزدهای انتخاباتی، از کشته شدن دانشجویان خبر می دادند، موجب می شود تا شماری از اعتمادکنندگان به این اخبار فاسقان به خیابان ها ریخته و آشوب و فتنه گری کنند.

**عوامل فتنه**
عوامل فتنه را می توان از مصادیقی که قرآن بیان کرده به دست آورد ولی برای آن که بحث جامع و کاملی داشته باشیم به این عوامل نیز می پردازیم و تبیین و تشریح قرآنی را بیان می کنیم.
خداوند انحراف قلبی وبیمار دلی راعامل ایجاد فتنه و فساد در جوامع معرفی می کند و در آیه 7 سوره آل عمران می فرماید که برخی از افراد بیمار دل به سبب پیروی از متشابهات در قوانین و دین، به گونه ای عمل می کنند تا هرج و مرج در جامعه ایجاد شود. ایشان به جای آن که از قوانین محکم و استوار پیروی کنند تنها در جست وجوی متشابهات برای ایجاد فتنه و تأویلات ناروا هستند. این نوع از فتنه ها، خاستگاهی در حوزه مفهومی دارند و در حقیقت می توان از آن ها به فتنه در حوزه مفاهیم یاد کرد. این گونه است که با تغییر در مفاهیم و یا انتخاب مفاهیمی که مورد تردید و شبهه و شک است، زمینه برای تأویلات ناروا فراهم می شود و در عمل اجتماعی، به شکل بحران ها خودنمایی می کند.

بسیاری از بحران های اجتماعی ریشه در تحلیل های نادرست مفاهیمی چون آزادی و عدالت و مانند آن دارد، و لذا برخی از بیماردلان و اهل شبهه و متشابهات، مردم را به بازی می گیرند و آنان را به سوی فضایی می برند تا بتوانند بهره های خود را از ایشان بگیرند. آنان در قالب دوستان و همدلان به سراغ جامعه ایمانی می آیند و در چراگاه اختلافات و تردیدها و شبهه افکنی ها جامعه را به سوی بی نظمی و اختلال و اغتشاش سوق می دهند تا سود خود را از آشوب ها و فقدان امنیت برگیرند و بر گرده مردم سوار شوند.

به هرحال هرگونه رفتار بیماردلانه که با القای شبهات و متشابهات و یا پیروی از آن، بی ثباتی و تزلزل در ایمان و باورهای مردم پدید آورد و امنیت و آرامش را از آنان سلب نماید و به اختلافات اعتقادی و نظری و یا حتی عملی دامن زند، از مصادیق فتنه است. این گونه است که خداوند پیروی بیماردلان از شبهات و متشابهات را به عنوان فتنه انگیزی معرفی می کند.

پذیرش ولایت کافران و ایجاد رابطه ولایی با آنان، از دیگر زمینه سازهای ایجاد فتنه و فسادگری در جامعه و زمین است که در آیه 73 سوره انفال به آن اشاره شده است. با نگاهی گذرا به فتنه های تاریخی در جامعه اسلامی از گذشته تاکنون می توان به این مسئله به عنوان یکی از مسایل مهم فتنه گری توجه داد، زیرا همین ارتباط میان شهروند امت اسلام با کافران بوده است که دست فتنه و تجاوزگری را باز کرده و امت را از پیشرفت و تکامل بازداشته است.

تخلف از رهبری و فرمان های وی به ویژه در حوزه های حساس و زمان های ویژه و مسایل اجتماعی و سیاسی از دیگر علل و عوامل فتنه در جوامع است که آیات 24 و 25 سوره انفال به آن توجه داده است.
عصیان و تخلف از فرمان های خداوندی نیز عامل دیگری برای فتنه وبروز اختلال در نظم اجتماعی جامعه و جهان و زمین است که همین آیات به آن اشاره دارند.
همچنین ظلم و ستم گری از دیگر عواملی است که آیه 25 به آن توجه می دهد. البته از روایتی که از رسول الله(ص) از باب جری و تطبیق در همین رابطه وارد شده است، ظلم به علی(ع) و مخالفت با خلافت او، پس از رسول خدا(ص) سبب فتنه ای دامنگیر در جامعه ایمانی دانسته شده است. (مجمع البیان، ج 3 و 4، ص 822) که می توان در زمان حال نیز به عدم اطاعت و تخلف از ولایت فقیه از سوی برخی توجه داد که موجب برخی از فتنه ها در جامعه اسلامی شده است.
خبر فاسق (حجرات آیه 6) و اعتماد به آن (همان)، جاسوسی و خبرچینی و شایعه پراکنی (توبه آیات 47 و 48) و ترک یاری رسانی به مسلمان، از دیگر علل و عوامل فتنه انگیزی است که در آیات 72 و 73 سوره انفال به آن توجه داده شده است.

**آثار فتنه**
بی گمان فتنه دو دسته از آثار دنیوی و اخروی را به دنبال دارد. دشمنان با فتنه گری خود می کوشند تا از گسترش فرهنگ توحیدی اسلام و نظام عدالت پرور آن جلوگیری کنند و اجازه ندهند تا اسلام در یک فضای روشن و سالم به رشد و بالندگی ادامه دهد و نظریه نظام سیاسی مبتنی بر ولایت و امامت و عدالت را در عمل به اثبات رساند. (بقره آیات 191تا 193 و 217 و انفال آیه 39)
از سوی دیگر فتنه انگیزی مشرکان و کافران و هر عامل داخلی و بیرونی موجب می شود تا حکم جهاد از سوی خداوند و رهبری جامعه برای سرکوب فتنه انگیزان صادر شود و موجبات قتل و یا اخراج آنان از سرزمین های اسلامی را فراهم آورد. (همان آیات) بنابراین می توان گفت کسانی که در پی فتنه انگیزی هستند باید انتظار بلا و عذاب الهی در دنیا و آخرت را نیز داشته باشند.
این ها گوشه هایی از مسئله فتنه و فتنه گری و تحلیل و احکام آن بود که در آموزه های قرآنی بدان اشاره شده است.

رضا شریف زاده